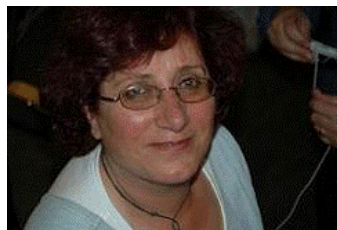




سال ۲۰۰۸ بر همه
مبارک باد!
به امید سالی و دنیایی
بهتر!



سخن سردبیر

قوانین اسلامی و تجاوز جنسی!

در یک ماه گذشته سرگذشت دختر جوانی از شهروندان عربستان

سعودی توجه وسائل ارتباط جمعی و آزادیخواهان بسیاری را در سراسر جهان به خود جلب نموده است. این دختر جوان که مورد تجاوز گروهی قرار گرفته است از طرف دادگاه به زندان و 200 ضربه شلاق محکوم گردیده است. در ابتدا دادگاه بدلیل اینکه مطبوعات توجه زیادی به این موضوع نموده بودند این دختر جوان را به 90 ضربه شلاق و زندان محکوم نمود. دادگاه اعلام نمود توجه مطبوعات به این مسئله در ردیف جرم تجاوز گروهی قرار دارد. دادگاه ابتدا اعلام کرد که فقدان شاهد و اینکه متهمین به جرم خود اعتراف نکرده اند موجب صدور حکم کمتری برای متهمین شده است. در نتیجه علنی شدن موضوع و توجه مطبوعات حکم تغییر نمود و متهمین این پرونده به دو تا 9 سال زندان محکوم شدند.

در جریان این دادگاه وکیل مدافع قربانی هم قربانی شد. دادگاه حق وکالت را به دلیل دفاع از این پرونده از وی گرفت. جالبترین بخش این خبر دخالت شاه سعودی در این موضوع میباشد. احتمال دارد که ایشان وی را ببخشند!!

این اولین باری نیست که سرنوشت یک دختر جوان در کشوری اسلام زده این چنین افکار عمومی را تحت تاثیر خود قرار میدهد، اعتراضات گسترده ای را دامن میزند و دولتهای پاسدار اسلام را به عقب نشینی وامیدارد. بدون شک بسیاری هنوز سرگذشت امینه لاول را از یاد نبرده اند.

اما سرگذشت امینه لاول، عاطفه رجبی، و بسیاری دیگر داستانهایی در نوع خود منحصر به فرد نیستند. این سرنوشت میلیونها زن و دختر است که اکنون تحت حاکمیت دولتهای اسلامی زندگی میکنند.

تجاوز جنسی عملی غیر انسانی و نشانی از تحقیر زن و جنسیت وی است. تجاوز یک نوع ابراز قدرت جامعه و نشان از نابرابری و مردسالاری جوامع انسانی است. هر جا که زنان نتوانسته اند موقعیت بهتر و انسانی تری برای خود کسب نمایند به همان درجه تجاوز به عنوان یک وسیله سرکوب زنان اعمال میشود. تجاوز تنها اعمال اجباری یک رابطه جنسی و خشونت فیزیکی به فرد نیست مسئله ای که به حق باید جرم محسوب شود، بلکه نشان از بدویت جامعه بشری است. جامعه ای که زنان را بعنوان

شهروندان فرودست با حقوق اجتماعی محدودتری بشمار می آورد. خشونت خانگی، قتلهای ناموسی، تجاوز گسترده و سیتماپتک به زنان و دختران در جنگها (آخرین نمونه آن جنگهای بالکان)، دستمزد کمتر و نابرابر زنان در بازار کار، فحشای گسترده برای تامین خانواده، تجارت زنان همگی اشکال بسیار متداول تحقیر و ستم بر زن است. تجاوز جنسی به زنان ادامه طبیعی چنین موقعیت اجتماعی و فردی است. آنچه که تجاوز را از دیگر انواع خشونت بر زنان جدا میکند اخلاقیات حاکم بر جامعه است. از آنجا که پاسداری از پاکدامنی و شرافت زن ملاک بسیاری از جوامع عقب مانده و مردسالار است و مردان بعنوان حافظان این شرافت تعریف و تربیت میشوند قوانین حاکم بر چنین جوامعی زنان را در درجه اول خاطیان و مجرمان اصلی تجاوز به حساب می آورند. چرا که قربانی یعنی زن برای حفظ شرافت خود و بالطبع جامعه و قوانین حاکم بر آن تلاش لازم را ننموده است.

در جوامع اسلام زده موقعیت زنان و حقوق شهروندی آنها بر اساس شریعت بر چنین بر بستری تعریف و تنظیم شده است. در نتیجه بسیار طبیعی است که دختر اهل عربستان سعودی، عاطفه رجبی، و بسیاری دیگر که مورد تجاوز قرار گرفته اند بعنوان عامل اصلی این سناریو تعریف میشوند و محکومیت آنها از قبل تعیین شده است.

مبارزه برای به رسمیت شناختن تجاوز به عنوان یک جرم یک امر جدی فعالان حقوق برابر زنان در ایران است. و هر قدم رو به جلو در این راه بدون شک بر زندگی زنان و دختران تاثیر مثبت خواهد داشت. اما مبارزه برای جلوگیری از سرکوب زنان و حقوق برابر زنان و مردان تنها از طریق مبارزه جدی بر علیه کلیت سیستمی که ستم بر زن را قانونی و شرعی به پیش میبرد یکی از هدفهای عاجل جنبش برابری طلب در ایران است. رهائی زنان در ایران امری محلی نخواهد بود بلکه میتواند زندگی میلیونها زن در منطقه را هم رقم زند.

پروین کابلی

اطلاعیه مطبوعاتی هما ارجمند در باره قتل ناموسی صفحه ۶
تسلیمه نسرین مورد تهدید مجدد اسلامیهتها صفحه ۴
ساکت ننشینیم، یادداشتی از پانته کلاتری صفحه ۴

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!



رابطه‌ی عاطفی و عشقی همجنسگرایانه همچنان در میان ایرانیان در تبعید به عنوان یک بیماری دیده می‌شود. اکثریت زنان ایرانی شرکت کننده در سمینارها و یا زنان گروهها و تشکلهای ایرانی در تبعید نیز این نظر را نمایندگی میکنند. آنها از این فرض حرکت میکنند که مشکلات دوران کودکی و یا تجربیات منفی با مردان و یا مشکلات روانی موجب عشق به همجنس می‌شود. زمانیکه زنی با این دید زن همجنسگرایی را می‌بیند، شروع میکند وی را تحت نظر بگیرد تا ببیند که چه عاملی تعیین کننده بوده است. شروع می‌کند به تعبیر کردن آنچه که مشاهده میکند. پیشداوری هائیکه چنین زنی دارد طبیعتاً اثرات زیادی روی این مشاهدات و تعبیر و تفسیرها می‌گذارد. این نحوه‌ی برخورد برای بسیاری از همجنسگرایان و دوستانشان مسئله ای اذیت کننده است. آنها مدام خودشان را تحت مراقبت و تجزیه و تحلیل دوستان در سمینار می‌بینند، که در تلاشند بفهمند که زنان همجنسگرا چگونه حرکت می‌کنند، چه می‌گویند، چه می‌کنند و غیره. و تازه این در بهترین حالت است. یعنی آنجائی است که نه بی احترامی و توهین بلکه فقط پیشداوری و کنترل وجود داشته باشد. زنان همجنسگرا همچنین مدام

رفت و آمد دارند بخشی از این بحثها، حداقل بحثهای دانشگاهی نوشته شده هستند. اما من در اینجا تا به حال به آنها دسترسی نداشته‌ام. آنچه که به دست ما می‌رسد اساساً نثریات و کتابهای زنان هستند که رسماً منتشر شده اند و می‌شوند. برای مثال وقتی که من در مورد سکس و یا خشونت، قدرت، حقوق بشر، آزادیهای اجتماعی و فردی، عشق، دگرجنسگرایی اجباری، نقشهای اجتماعی ساخته شده زنانه و مردانه و برخورد زنان روشنفکر ایرانی به آنها کار می‌کنم، به کتابها و مجلات و یا صفحه‌ی اینترنتی زنان و سازمانهای زنان ایرانی مراجعه می‌کنم تا ببینم زنان و یا گروههای مختلف زنان در مورد این موضوعات چگونه فکر می‌کنند و چکار کرده‌اند. کارهای انجام شده در تک تک این موضوعات کم نیستند. مشکل تنها در اینجاست که این کارها در موارد زیادی خیلی پراکنده اند. هم کارها خیلی پراکنده اند و هم تمرکز جدی بر روی این موضوعات کم است.

پروین کابلی: زنان همجنسگرا هم در این کنفرانس شرکت میکنند. چه معضلاتی در مقابل این گروه از زنان وجود دارد؟

سعیده سعادت: به نظر من معضل جامعه‌ی ما در برخورد به مسائل جنسی تنها مشکلات دوستان همجنسگرا نیست. یک بخش از مسئله، مشکلاتی هست که دوستان همجنسگرا با آن مواجهند و دیگری مشکلاتی است که تمام زنان بدلیل زن بودنشان و به خاطر درک فرهنگی جامعه‌ی ما از نقش جنسی، اجتماعی و فردی زن با آن درگیر هستند. من سعی میکنم بطور خلاصه دید خودم را از این دو موضوع باز کنم.

این سمینارها تا کنون در شهرهای هانوفر، فرانکفورت، برلن و کلن برگزار شده‌اند. اهداف این سمینارها چند جانبه هستند. آشنا شدن با درگیریهایی تئوریک و عملی جنبش زنان اروپا، آشنا شدن با درگیریهایی تئوری و عملی زنان ایرانی در تبعید و در ایران، آشنان شدن با چهره‌های فعال زنان ایرانی در تبعید و در ایران، دیدن دوستان و آشنایان زن در شهرهای مختلف و تبادل نظر با آنان بر سر موضوعات مربوط به زنان و زندگی‌شان، تبادل تجربیاتی که به آزادی و استقلال زنان کمک کرده‌اند و یا جلوی این آزادی را گرفته‌اند جزوی از این اهداف به شمار می‌آیند. اما از آنجاییکه برگزار کنندگان سمینارها گروه مشخصی نیستند و تمام زنان ایرانی شرکت کننده در آنها در برگزاری و پیشرفت سمینارها نقش دارند، اهداف سمینارها نیز بسیار مختلف و چند جانبه می‌باشند.

پروین کابلی: شما به درگیری‌های تئوریک و عملی جنبش زنان در اروپا و همینطور جنبش زنان در ایران اشاره کردید. به نظر خود شما هم اکنون چه گره‌های تئوریکی در جنبش زنان در ایران وجود دارد؟

سعیده سعادت: ما در اینجا از گروه‌های مطالعاتی زنان در ایران می‌شنویم که غیرعلنی دور هم جمع می‌شوند و روی موضوعات مختلف نظری و یا مسائل عملی که جنبش زنان با آن درگیر است بحث می‌کنند. از طرف دیگر از فعالیت‌های نظری دانشگاهی زنان می‌شنویم که خود را با موضوعات مختلف تئوریک درگیر می‌کنند. متأسفانه من تا حالا خودم از این بحثها نوشته‌ی مشخصی ندیده‌ام، اگر چه بر اساس صحبت‌های دوستانی که به ایران

مصاحبه با سعیده سعادت در باره تشکل مستقل زنان در آلمان

پروین کابلی: با تشکر از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید. تشکل مستقل زنان در آلمان در حال سازماندهی یک کنفرانس در برلین می‌باشد. قبل از هر چیزی می‌خواستم در مورد خود تشکل مستقل زنان در آلمان سوال کنم که چکار میکند و چه اهدافی دارد؟

سعیده سعادت: سمینار زنان در برلین، جزو سمینارهای سالانه‌ی تشکلهای زنان بطور عموم وزنان دگرگرا و هم جنسگرای ساکن آلمان است که هر سال در یکی از شهرهای آلمان برگزار می‌شود. امسال نوبت ما زنان ایرانی ساکن برلن است که این سمینار را برگزار بکنیم.

ما در شهر برلن و یا کلا در آلمان تشکلی به نام تشکل زنان در آلمان نداریم. در بعضی از شهرهای آلمان زنان فعال ایرانی تشکل زنان شهر خودشان را شکل داده‌اند. برای مثال در شهر هانوفر ما تشکل مستقل زنان هانوفر را داریم. از آنجاییکه زنان فعال شهر برلن چنین تشکلی را ندارند، بخشی از فعالین زن این شهر برای برگزاری سمینارها و یا آکسیونهایی که به عهده‌ی می‌گیرند بطور موقتی دور هم گرد می‌آیند. بدین ترتیب گروه برگزاری سمینار زنان در برلن در این سال شامل زنانی است که بطور موقت برای برگزاری این سمینار دور هم جمع شده‌اند.

سمینارهای سراسری سالانه‌ی زنان در آلمان از بیست و یک سال پیش در شهرهای مختلف آلمان برگزار می‌شود. اکثر

نه به مجازات اعدام! نه به جمهوری اسلامی!

وقتشان لذت ببرند. این خیابان یکطرفه نیست و دوطرفه است. تاکید بر احترام و تأمل بر روی زندگی همجنسگرایی و دگرجنسگرایی انتخاب شده، تاکید بر احترام به آزادی زنان و آزادی انتخابشان و تاکید بر مقاومت در مقابل اخلاقیات مذهبی و یا سنتی در مورد نقش زن و زندگی زن است. و این یکی از مهمترین مسائل این سمینارها می باشد. به این دلیل زنان همجنسگرایی که در تمام این سالها با سمینارها همکاری نزدیک داشته اند، مشکلات خودشان را نه به دلیل همجنسگرا بودنشان بلکه به دلیل زن بودنشان می بینند و در این تجربه خودشان را در سمینارهای زنان تنها نمی بینند بلکه بخشی از کل آن.

پروین کابلی: با تشکر از شما

خشونت روانی در میان ایرانیان تجربه‌ی روزنامه تقریباً تمام زنانی است که پایشان را از چهارچوبهای موجود به بیرون گذاشته اند و هنوز با جامعه‌ی ایرانی رابطه دارند. از آنجائیکه بسیاری از شرکت کنندگان در سمینارها بارها چنین جسارتی را کرده اند و با جامعه‌ی ایرانیان هم سر و کار دارند، در این تجربه با زنان همجنسگرا نقاط مشترک بسیاری دارند. برای همین برخورد به زندگی و علائق همجنسگرایان برخورد به زندگی و علائق زنان برای تعیین زندگی خودشان و برای مستقل بودنشان از مردان است. بدون اینکه به این دلیل مورد خشونت و اتهام قرار گیرند. تاکید بر این است که زنان با مردان و بدون مردان می توانند از زندگیشان، از پیکرشان، از

پوشش، نحوه‌ی رفتار و غیره سر و کار دارد. زن ایرانی در تبعید هنوز هم زیر فشار جامعه‌ی ایرانی زنان و مردان ایرانی در تبعید هستند تا خودش را با سنتها و مناسبات عقب افتاده‌ی میان زنان و مردان در ایران تطبیق بدهد. در این مورد زنان در کل با زنان همجنسگرا تجربه‌ی یکسانی را پشت سر میگذارند. آنها در مجموع زیر کنترل و بازرسی جامعه هستند که چه روابط جنسی ای دارند، چه می‌پوشند، چگونه رفتار می‌کنند، با چه کسانی رفت و آمد میکنند و غیره. حرکتهای آنها نیز تجربه و تحلیل می‌شود. آنها هم آنجائیکه با مناسبات موجود همخوانی نداشته باشند، بیمار، خودفروش، سطحی و مشابه آن خوانده می شوند و طرد می شوند. خشونت خانگی، خشونت جسمی و

نظرات منفی در مورد همجنسگرایان میشوند. مدام با خشونت و پیشداوری روبرو میشوند و زمانیکه به این برخوردها اعتراض می کنند، با انکار وجود چنین پیشداوریها و قضاوتهای موجود در میان دوستان شرکت کننده درگیر می شوند. من دوستان همجنسگرایی را می شناسم که به دلیل چنین نگرشها و رفتارحاکم در سمینارها در آنها شرکت نمیکنند. و یا شرکت میکنند و مسئله‌ی عاطفی خودشان را مخفی میکنند.

مشکل دوم همانطور که گفتم مشکل تمام زنانی است که در سمینار شرکت دارند. این مسئله با نقض حق طبیعی زنان برای تصمیم آزاد، فردی و مستقل خودشان در مورد زندگی، عشق، رابطه‌ی عشقی، نحوه‌ی

کجا ایستاده ایم، چه می‌خواهیم، جنبش زنان ایرانی: افق‌ها، چشم اندازهها سمینار سراسری سالانه تشکل های ایرانی در آلمان، 18 تا 20 ژانویه 2008 برلن

آدرس محل سمینار

Jugendherberge Berlin – Am Wannsee

Badeweg 1

D – 14129 Berlin

Tel : 49-30- 8032035

Fax : 49 –30- 8035908

E-Mail: jh-wannsee@Jugendherberge.de

برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد هزینه‌های ثبت نام و نحوه پرداخت آنها آدرس دقیق محل سمینار و غیره با تلفن، فاکس یا ایمیل با ما تماس بگیرید.

برنامه سمینار

جمعه 18 ژانویه

نام نویسی 14.00، شام 18.00 - 19.00، گشایش برنامه 19.30، میز گرد 20.00 - 22.00 بررسی و نقد کمپین یک میلیون امضاء، شرکت کنندگان: شادی امین، عفت ماهباز، مهناز متین، ناهید نصرت

شنبه 19 ژانویه

یادی از شیوا بنی فاطمی 9.30، نقد و بررسی جنبش زنان ایرانی در داخل و خارج و تاثیر متقابل آن بر یکدیگر، اقدس شعبانی، سرور صاحبی 9.30 - 11.00، استراحت 11.00 - 11.30، فرهنگ خشونت، زبان خشونت، خشونت در فرهنگ و زبان، سعیده سعادت 12.00 - 13.00، نهار 13.00 - 14.30، ماورای فرهنگ و هویت ملی، شبنم مهرانگیز 14.30 - 15.30، گروه های کاری 15.30 - 17.00، برنامه هنری، شعر خوانی سهیلا میرزانی 20.00 - 20.10، برنامه نمایشی 20.15 - 20.40، نشیبها و فرازها، کاری از میترا زاهدی

یکشنبه 20 ژانویه

معرفی پروژه تلفن اضطراری علیه ازدواج اجباری در ایالت نیدرساکسن، سیمین نصیری 9.30 - 10.00، گزارش گروه های کاری 10.00 - 11.00، جمع بندی سمینار 11.00 - 12.30

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



سومین روز مبارک ستم بر زن موقوف

ساکت ننشینید!

موج سرکوب زنان جامعه که به اسم بدحجابی بعد از ۸ مارس ۸۵ شروع شد و در واقع اقدامی برای سرکوب زنان جامعه بوده است فضای امنیتی شدیدی را بر جامعه تحمیل کرده و عملاً مردم در خیابان، درون اتوموبیل و حتی خانه‌ی خود امنیت ندارند.

این فضای امنیتی نمی‌توانست تنها به بهانه بدحجابی ادامه پیدا کند و رژیم با سناریوهای دیگر همچون مبارزه با ارادل و اوباش همچنین مبارزه با پخش کننده‌های مواد و پخش فیلم‌های زننده از کتک زدن وحشیانه مردم عملاً فضایی از رعب و وحشت در جامعه ایجاد کرد تا به خیال خود جامعه را سرکوب کند. مخصوصاً جنبش زنان و دانشجویان را که به قول یکی از سخنگویان حکومت "پر رو شده‌اند".

اما این حملات رژیم نتوانست ذره‌ای از مبارزات مردمی بکاهد و جو دهه‌ی ۶۰ را بر جامعه حکمفرما کند. در واقع مردم دیگر تن به خواست‌های رژیم نمیدهند و حتی سرکوب‌های بی‌امان نیز نمی‌تواند آنها را از مبارزاتشان منصرف سازد. رشد و گسترش گروه‌های مختلف آزادی زنان، و همچنین متشکل شدن جنبش دانشجویی و کارگری خود به خوبی نشان دهنده‌ی عزم جامعه برای بیرون راندن نیروهای سرکوبگر است.

اما این بار رژیم نیز حاضر نیست مثل دفعات گذشته از مواضع خود کنار بیاید چون به خوبی می‌داند جامعه به دروازه‌ی دگرگونی رسیده و دیگر تحمل وضع موجود را ندارد. جامعه بلند شده و حق انسانی خود را طلب میکند و این تنها با سرنگونی حکومت اسلامی میسر است.

جدیداً نیز رژیم بهانه‌ی دیگری را الم کرده و دست به بازداشت خانم‌های چکمه پوش زده است. سوال بسیار اساسی اینجاست که این چکمه‌ها که کلاً به جهت مصرفشان پوشیده هستند چه منافاتی با اسلام ایشان دارد؟

اما این حرکت‌ها باید نکته‌ی مهمی را به جامعه گوشزد کند. گارد خود را به روی جمهوری اسلامی باز نگذارید! ساکت ننشینید زیرا اگر به این حکومت فرصت دهیم می‌خواهد چادر و نقاب به صورت زنان و ریش را بر صورت مردان اجباری کند. جدیداً نیز مثل حکومت طالبان به موی بلند مردها گیر می‌دهد و این خود بهترین گواه است برای نشان دادن افکار قرون وسطایی قدرت حاکمه.

باید با این ترندها نیز مقابله کرد. ما می‌توانیم و باید مثل همیشه حربه‌های رژیم را خنثی کنیم و آنها را عقب بزنیم. در ادامه این راه ۸ مارس بهترین فرصت برای اعتراض به چنین قوانین وحشیانه‌ای است. باید در این روز فریاد زبانی همچون زهرا بنی یعقوب باشیم که قربانی بی‌گناه حملات جدید رژیم بوده‌اند.

باید اسامی تمامی دختران و زنانی که به نوعی در جریان این سرکوب از نظر روحی، روانی و جنسی آسیب دیده‌اند را گرد آوری کرده و از سازمان‌های جهانی بخواهیم تا به رژیم اسلامی فشار بیاورند تا از این بانوان اعاده حیثیت کرده و ضررهای روحی، مادی آنها را جبران کند اگرچه هیچ وقت جبران پذیر نیست و زهراها دیگر زنده نخواهند شد. ما این کار رژیم را مجبور به عقب نشینی و از خطراتی که زنان جامعه را در آینده تهدید می‌کند باز می‌دارد. پانته آ کلانتری

من ساکت نخواهم ماند

تسلیمه نسرين که در سال ۱۹۹۴ توسط آخوندهای بنگلادش، طبق یک فتوا به مرگ محکوم شد و به سوئد پناهنده گردید، اینک دوباره موضوع بحث روزنامه‌های سراسر دنیا قرار گرفته است. روز ۱۶ دسامبر پس از اینکه وی از سفری اجباری از راجستان به کلکته محل اقامتش بازگشت مورد تهدید اسلامیست‌های کلکته قرار گرفت. گروه‌های اسلامی شهر را به شورش کشیدند، به عمارات دولتی حمله کرده و به تخریب اموال عمومی پرداختند. بطوری که ارتش دخالت کرد و تسلیمه را مخفیانه به شهر دهلی نو فرستاد. تسلیمه نسرين اینک در محل نامعلومی در دهلی نو زندگی میکند. تسلیمه نسرين در شعری چنین می‌سراید:

طبیعت میگوید زن انسان است، مرد مذهب را ساخت و این را انکار کرد.

طبیعت میگوید زن انسان است، مرد فریاد میزند، نه! زن ستم می‌بیند: در شرق، در غرب، در جنوب، در شمال.

زن ستم می‌بیند: در خانه، در بیرون خانه.

زن چه باور مذهبی داشته باشد چه نداشته باشد، ستم می‌بیند.

زیبا باشد یا زشت، ستم می‌بیند.

عاجز باشد یا نباشد، فقیر باشد یا غنی، بیسواد یا با سواد، ستم می‌بیند.



پوشیده یا عریان، ستم می‌بیند. کند ذهن یا نه، بزدل یا شجاع، او همیشه ستم می‌بیند.

حتی یک سگ نگهبان خانه گاه به گاه پارس می‌کند، ولی بر دهان زن به بهایی ارزان، قفل گذاشته‌اند، یک قفل طلائی.

من به خدا باور ندارم. مذهب زنان را از نژاد بشر جدا میکند.

مرا نیز پرپر کرده‌اند، مرا نیز از حقوق انسانی ام محروم کرده‌اند.

تسلیمه نسرين علیرغم اینکه اسلامیستها او را از کشورش آواره کرده‌اند و زندگی اش دایماً در معرض تهدید آنها قرار دارد، علیرغم اینکه احکام زن سنتی اسلامی را به شدت زیر ضرب گرفته و علناً میگوید عزم خود را برای لغو و تغییر آنها جزم کرده است و تهدیدها نمی‌توانند او را ساکت کنند، اما او تاکنون با اسلام سنتی نژادپرستانه و فاشیستی که به منظور بهره برداری ارتجاعی در غرب به راه افتاده است، هم زبان نشده است. او میگوید،

به سازمان آزادی زن بپیوندید!



"من در عین اینکه بر این باورم که اسلام به تنهایی مسئول همه مشکلات زنان نیست، این را هم مورد تاکید قرار میدهم که برای زندگی نیازی به اسلام نیست. یک ملت سکولار و یک سیستم آموزش سکولار میتواند به پرورش

انسانهای معقول در یک فضای سالم، علمی و فارغ از تابو کمک کند. برای از بین بردن باورها و رسوم ضد زن، مهم است که شالوده جوامع مدرسالار را به تکان آوریم."

نسرین مینویسد: "امید بستن به اصلاح طلبان مرد فایده ای ندارند. برای در هم شکستن سرکوب زنان در جوامع اسلامی، و برای رد اسلام، ما نیاز به هزاران زن خشمگین داریم که هم اکنون در چنگال مار زهرآگین اسلام گرفتارند. وقتی که آنها به دفاع از خود برخیزند، این مار تا کی میتواند نیش بزند."

آزادی بیان برای برخی، کافی نیست. ما باید برای آزادی بیان همگان تلاش کنیم. حقوق بشر برای برخی کافی نیست. ما باید برای حقوق بشر همگان تلاش کنیم. صلح برای برخی

کافی نیست. ما باید بخاطر صلح برای همگان تلاش کنیم."

از آموزش متون هزار ساله و رسوم منسوخ کاری ساخته نیست. زنان ایران درس خود را از زندگی میگیرند. رژیم اسلامی ایران، هراس و ترس روز در همه گوشه و کنار کشور، در خیابان و مدرسه و دانشگاه در چهره میلیون ها زن ایرانی، تسلیمه نسرین ها را می بیند که وجود رژیم زن ستیز را به چالش می کشند. به همین جهت است که به دار و درفش متوسل میشود، همان داری که تسلیمه نسرین در وبسایت خود زن ایرانی را آویزان بر آن به نمایش گذارده است. اما این سبوعیت ها هم، کار را برای رژیم سخت تر میکند و زن ایرانی میدانند که نباید در برابر کسانی که به متون هزارساله و رسوم منسوخ جان داده اند، ساکت بمانند. به هیچ

بهایی نباید ساکت بماند. مثل تسلیمه نسرین:

من، هرچه پیش بیاید، ساکت نخواهم ماند، هرچه پیش بیاید، من به مبارزه ام برای برابری و عدالت بدون هرگونه سازشی ادامه خواهم داد، هرچه پیش بیاید، ساکت نخواهم ماند.

نقل بطور خلاصه از سایت روشنگری، روزنامه سونسکا داگ بلادت چاپ سوئد و سایت تسلیمه نسرین



در آن ثانیه از چهارشنبه های شوم!!!
دسامبر ۲۰۰۷ سوئد

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید!

خواندن نشریه آزادی زن را به دوستان خود توصیه کنید!

از سایت آزادی زن دیدن کنید!
www.azadizan.net

چرا چشمان تو اشک مرا ندید؟
چرا گوش تو ضجه های مرا نشنید؟

چرا دست تو دستهای لرزان مرا لمس نکرد؟
آخر لحظه ی وداع بود!

چرا مادرت را نیوسیدی رولکم چیزی بگو
این جای طناب دار است بر گردنت؟

چطور طناب طاقت سنگینی سرو را داشت؟ جانکم
طناب تقصیری نداره!!!!
عزیزکم

بگو بگو به من چند دقیقه؟ چند ثانیه؟

می خواهم از حالا ثانیه ها را بشمارم

ماکوانم.. ماکوانم....

میدانی من دیگر تنها نیستم؟

همکلاسیش در سن ۱۳ سالگی و همجنسگرایی اعدام شد. این جنایت را باید در تاریخ ثبت کرد و بر علیه جنایتکاران حاکم بر ایران در سطح نهادهای بین المللی اعلام جرم کرد.

سازمان آزادی زن ضمن همدردی با خانواده ماکوان، به مبارزه همه جانبه خود برای لغو مجازات اعدام، این جنایت برنامه ریزی شده دولتی ادامه میدهد.

تقدیم به مادر ماکوان، من هم مادرم

از: **شهلا نوری**

طناب دار

لحظه وداع فرا رسید

در چهارشنبه ای شوم

لحظه وداع فرا رسید!

اما؟؟؟؟؟؟



ماکوان مولودی زاده در زندان دیزل آباد کرمانشاه اعدام شد

خبر اعدام ماکوان جوان ۲۰ ساله در منطقه پاوه، محل سکونت او و خانواده اش، موجی از همبستگی و همدردی را به همراه داشت. بیش از دویست ماشین جسد او را از کرمانشاه به پاوه بدرقه کردند. او وحشیانه در سحرگاه روز چهارشنبه ۵ دسامبر به دست مشتکی جلا و جنایتکار به قتل رسید! ماکوان هیچ جرمی مرتکب نشده بود. او به اتهام رابطه جنسی با یک

زنده باد آزادی زن!

منتظر اعدام

یک زن ۲۷ ساله و ۵ مرد به جرم های قتل و تجاوز روز چهارشنبه ۱۹ دسامبر در اوین به دار آویخته شدند. راحله زمانی، که قرار بود در همین روز اعدام شود، فرصت یافت تا برای اخذ بخشش از خانواده مقتول تلاش کند. راحله به



از میان خبرها

جان محمود صالحی در خطر فوری است

محمود صالحی پرچمدار جنبش اول ماه مه مدتهاست در زندان مرکزی سنندج در وضعیت جسمانی وخیمی بسر می برد طبق گزارشات رسیده، محمود صالحی سخنگوی کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری، در تاریخ ۱۱ دسامبر در حالیکه در بیهوشی مطلق به سر میبرد، از زندان مرکزی شهر سنندج به بیمارستان توحید این شهر منتقل شد. محمود

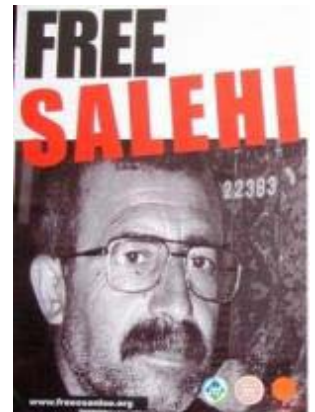


جرم قتل شوهرش محکوم به اعدام شده است. وی میگوید شوهرش را در حالی کشته است که، به خاطر خیانت او و آوردن زنی (احتمالاً تن فروش) به خانه، کنترل خود را از دست داده بود.

راحله زمانی دیروز با ارسال نامه ای به خانواده شوهرش از آنها خواست به خاطر بچه هایش او را ببخشند. وی میگوید، من از این که ناخواسته این کار را کرده ام پشیمانم.

موج اعدام های جدید که بعد از ۵ سال دوباره آغاز شده وحشت فراوانی را میان زندانیان زن به راه انداخته و برای مهار استرس پزشکان زندان زنان، داروهای بسیار قوی آرام بخش برای این زنان تجویز می کنند.

منبع سایت ایران امروز



صالحی در تاریخ چهارم تا دهم دسامبر به مدت شش روز به علت بی توجهی و محرومیت از مداوای موثر چندین بار به حالت اغما فرو رفته است.

نقل از بیانیه اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در باره وضعیت محمود صالحی

اطلاعیه مطبوعاتی هما ارجمند در ارتباط با قتل اکسا پرویز در تورنتو ۱۲ دسامبر ۲۰۰۷

اکسا پرویز قربانی دیگر قتل های ناموسی

خانواده، برای مدارس اسلامی و برای سهم خواهی در قدرت سیاسی می جنگند، مقصودند و باید نوبت حمله قرار گیرند. اینها که در تلاش ایجاد ایران، پاکستان و سومالی کوچک در قلب کانادا هستند. اینها هستند که خانوادهها را تا بدان جا سوق میدهند که برای پاسداری از قوانین مذهبی به اعضای خانواده و کودکان خود نیز رحم نمی کنند.

این بی رحمی و خشونت به کودکان و زنان را نباید سر سوزنی تحمل کرد. و عاملین آنها باید شدیداً مورد مجازات قرار گیرند. آزادی و سکولاریسم جهت حمایت از حقوق کودکان باید تقویت گردد و به هیچ وجه نباید اجازه داد مذهب و قوانین مذهبی بر کودکان تحمیل شود. باید در مقابل هر گونه سیاست و تلاشی که موجب جداسازی و گتوسازی در جامعه میشود و یا به حقوق کودک و خوشبختی او لطمه میزند ایستاد. این وظیفه دولت است که زنان و کودکان را به حقوقشان آشنا ساخته و از آنان در مقابل اجحافات و خشونت های ناشی از رفتارها مذهبی و اعمال سنتی حمایت کند. باید شبکه ای از حمایت های و سرویس های قابل دسترسی برای کودکان و زنان در کمونیت های مهاجرین بوجود آید و زنان و دخترانی که بدنبال پناهگاه امن میگردند را به آسانی بپذیرند. همچنین هرگونه حمایت معنوی و مادی به گروه های مذهبی از طرف دولت کاملاً باید قطع گردد.

اکسا پرویز قربانی دیگر قتل های ناموسی است. او نیز بخاطر بی حرمتی به فرهنگ عقب مانده و اعتقادات خانواده محاکمه و به مرگ محکوم شد. توسط برادرش به قتلگاه، خانه، بازگردانده شد و سپس توسط پدرش به قتل رسید. او قربانی فرهنگی شد که توسط دستگاه مذهب و بطور مشخص اسلام در مقیاس جهانی پاسداری میشود.

اکسا دختر ۱۶ ساله کلاس یازده ام که در مسیساگای استان انتاریو زندگی میکرد همچون حشا از انگلستان، فادیمه از سوئد و هاتون از آلمان قربانی سنت های غیر انسانی در کمونیت های به اصطلاح اسلامی شد. این دختران غیر سازشکار جرمشان این بود که میخواستند در یک جامعه مدرن خود حاکم بر سرنوشتشان باشند.

آنچه به اکسا پرویز رفت تنها نوبت آن کوه یخ خشونت و ستم کشی است که در کانادا بر زنان در خانواده های مذهبی و سنتی مهاجر میرود. در کشوری که تحت عنوان مولتی کالچرالیزم احترام به فرهنگ و آن هم فرهنگ های عقب مانده بر حقوق انسان و حقوق زنان ترجیح داده میشود. آن هم در کشوری که گتوهای مذهبی و فرهنگی مساعدترین شرایط را برای درهم شکستن آرزوها و آمل زنان و دختران ایجاد میکند. در قبال مرگ این دختر جوان بیش از همه گروه های اسلامی که برای داگاه های مذهبی در امور

نشریه آزادی زن از نقد و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی، azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه پروین کابلی، parvinkaboli@yahoo.se، Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، esmail_owji@yahoo.com

زنده باد آزادی، برابری و رفاه!